

معنی واقعی آنها بوسیله افرادی جاهل یا مغرض الفاء می شد. و اجرای این تکلیف بزرگ الهی را در برخی مسائل که جزء امور فرعی و معلولات هستند خلاصه نموده اند؛ می بینیم در آیات و روایات دائرة آن چنان گسترش داده شده که تمام امور زندگی جامعه را دربر می گیرد و با توجه و شناخت ابعاد و گستردگی مفهوم صحیح معروف و منکر است که میتوان به اهمیت و وسعت دائرة امر به معروف و نهی از منکر توجه یافت و در آن هنگام است که باید به بررسی و شناخت شیوه ها و مراتب و راههای امر به معروف و نهی از منکر و برنامه ریزی برای انجام ثمربخش آن پردازیم.

### مفهوم گسترده معروف و منکر

اولاً مفهوم و دائرة منکر چنان گسترده است که از سوزاندن یا خمیر درآوردن یک فرص نان از تنور نانوائی و عبور از چراغ قرمز و سد معبر و هزاران نمونه دیگر از این قبیل تاظهار به گناهان صغیره و کبیره و حاکمیت ظلم و استکبار و... را شامل می شود و اگر در منطق اسلام دائرة معروف و منکر تا این اندازه توسعه نداشت امام باقر علیه السلام در روایتی که از آن حضرت نقل شده و قبلاً نیز به قسمتی از آن اشاره کردیم - نمی فرمود که: بوسیله امر به معروف و نهی از منکر است که سایر واجبات بر پا می شود، راهها امن و کسبها حلال می گردد ظلمها جبران و دفع می شود و زمین آباد می گردد و از دشمنان انتقام گرفته می شود و تمام کارهای مردم رو براه می گردد.

ثانیاً معروف و منکر و امر و نهی از آن مفید به سرزمین خاصی نیست و این تکلیف در مرزهای اقلیمی و جغرافیایی و قومی محدود و محصور نشده است؛ منکر در همه جا منکر است و معروف در همه جا معروف و امر به معروف و نهی از منکر با تحقق شرایط آن تمام گستره زمین را شامل می شود و انسان مؤمن نمی تواند به گناه و ظلمی که در آن سوی کره زمین انجام می شود راضی باشد و درصدد راهیابی به محو و جلوگیری از آن نباشد. داستان ربهه شدن یک خلیخال از بای یک زن کافر ذمی و سخنان پردرد اسف انگیز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تا جایی که فرمود جای دارد مسلمانان از غصه بمیزند نموداری از این منطق است و با روایاتی مثل: آنچه از پیغمبر اکرم نقل شده که: **مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي بِاللَّسْلِيبِ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ** (کسانی که کسی که فریاد انسانی را بشنود که مسلمانان را به کمک می طلبد و جواب او را نگوید، مسلمان نیست).

قابل توجه است که در روایت کلمه «رجلاً» است نه مسلماً و مؤمناً که شامل غیرمسلمان نیز میشود و باید به نجات او شناخت. و ثالثاً عقل و شرع ایجاب می کند که همزمان با درمان موضعی و مبارزه مقطعی و اورژانسی با هر بیماری باید اهتمام اصلی و تلاش اساسی را برای مبارزه با ریشه بیماری به کار گرفت و چسبیدن و جنگ زدن به فروغ و غافل شدن از ریشه ها بزرگترین خطری است که انسان را از رسیدن به هر هدف بزرگی بازبندارد. در مورد امر به معروف و نهی از منکر نیز همین اصل کلی جاری است و صرفاً پرداختن به معلولها و غفلت از علل راه بجائی نمی برد و آن مقصد اصلی و هدف والاّی که از این فریضه بزرگ منظور شده است تحقق پذیر نیست. این درست است که جامعه از افراد شکل می گیرد و باید نسبت به فرد فرد جامعه این فریضه الهی مورد عمل قرار گیرد و انسان مؤمن

# امر به معروف و نهی از منکر

(۳)

### مصلحت امر به معروف و نهی از منکر

و بر همین اساس که هدف از امر به معروف و نهی از منکر رهاییدن فرد و جامعه از آلودگی گناه و منکرات است در فقه شرط دیگری که برای وجوب آن به استناد روایات ذکر شده است عبارت است از احتمال تأثیر همانگونه که در هر یک از احکام اسلامی مصلحتی منظور شده است در امر به معروف و نهی از منکر نیز این مصلحت وجود دارد که طرف به امر و نهی ترتیب اثر بدهد ولی از آنجا که در انجام سایر احکام اسلامی مثل نماز، روزه و... مسأله احتمال اثر و تحقق مصلحت مربوط به آنها شرط نشده و در هر صورت باید آنها را انجام داد و در مورد امر به معروف و نهی از منکر این شرط قرار داده شده است، مشخص می شود که آن عبادات تعبدی صرف می باشند و عقل ما نمی تواند در انجام دادن یا انجام ندادن و کیفیت آنها دخالتی داشته باشد اما در مورد امر به معروف و نهی از منکر شارع مقدس دست ما را باز گذاشته تا بر مبنای تدبّر و تعقل و برنامه ریزی صحیح در چهارچوب روشهای مشروع و متناسب با شرایط در هر زمان به مقصد و مصلحت مهمی که از این فریضه بسیار بزرگ الهی منظور شده دست یابیم. بر خلاف تصور تنگ نظرانه و احیاناً منحرفی که امر به معروف و نهی از منکر را در دایره کوچکی محصور کرده. همچون بسیاری دیگر از مفاهیم و اهداف عالیّه اسلامی، مانند صبر، انتظار، تقیه و... که حتی گاهی عکس

غیر از خودش باید بر حسب اولویت به افراد خانواده خود و خویشاوندان و مردم محل شهر و دیار خود در حد توانش امر به معروف و نهی از منکر نماید ولی باید توجه داشت که حل نهائی و مبارزه اساسی با منکر در زدن ریشه آن است که البته این کار بدون تعاون و همیاری منجم و هماهنگ مجموعه افراد یعنی «جامعه» خود ساخته امکان پذیر نیست و با یک حرکت اجتماعی است که می توان ریشه های فساد را در یک جامعه خشکانید و به نتیجه مطلوب دست یافت و در این صورت است که سبیل فساد از سرچشمه مسدود میشود و راه برای اصلاح بیشتر جامعه و رشد کامل آن هموار میشود. فرض کنیم اگر در رژیم ستماهی فقط به خاموش کردن موسیقی رادیو در اتوبوس و ناکسی و مبارزه با بهائیت! و... اکتفا میشد و به بهانه عدم احتمال تاثیر و احتمال ضرر از آنهمه فحشاء و فساد و ظلمی که در جامعه حاکم بود اغماض کرده و امر به معروف و نهی از منکر را نسبت به آن امور واجب نمی دانستیم و برخورد ریشه ای با عامل اصلی آنها یعنی نظام باطل و وابسته به امریکا نمی شد آیا راهی برای نجات خود و به طریق اولی برای زن و فرزندانش خود داشتیم و آیا آن سبیل فساد و گناه فراگیر نمیشد و غضب و عذاب الهی همه را فرا نمی گرفت؟

**پیوند ناگسستی فرد و جامعه**

امام باقر علیه السلام در روایتی که فستھانی از آن را نقل کردیم میفرماید: «وَأَوْحَى اللهُ إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ أَنِّي مُعَذِّبٌ مِّنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ، أَرْتَعِنَ أَلْفًا مِّنْ شِرَارِهِمْ وَسِتِّينَ أَلْفًا مِّنْ خِيَارِهِمْ فَقَالَ: يَا رَبِّ هَوْلَاءِ الْأَشْرَارُ قَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ؟ فَأَوْحَى اللهُ تَعَالَى إِلَيْهِ دَاهُوا أَهْلَ الْمُعَاصِي وَتَمَّ يَغْضَبُوا بِغَضَبِي»!

خداوند به شعیب پیغمبر وحی فرمود: من صد هزار نفر از قوم تو را عذاب می کنم. چهل هزار نفر از بدان و شصت هزار از خوبان. شعیب عرض کرد: بدان سرجای خود، اما خوبان چرا؟ خداوند متعال به او وحی فرمود: برای این که ایشان با اهل معصیت مدهانه و محافظه کاری کردند و بخاطر غضب من غضبناک نشدند!

پس معلوم میشود وقتی که فساد از جامعه برکنده نشد حتی اگر خوبان زیادتر باشند عذاب نازل میشود و همه را می سوزاند. آری سرنوشت افراد با جامعه پیوندی ناگسستی دارد و فرد نمی تواند سرنوشت خود را از سرنوشت جامعه جدا دانسته و نسبت به حیات و سرنوشت جامعه بی تفاوت بوده و فقط به فکر نجات خود باشد زیرا که نجات و سعادت فرد نیز در پرتو نجات جامعه تأمین میشود و اگر جامعه به تباهی و فساد کشیده شود و فرد با امر به معروف و نهی از منکر برای نجات جامعه قیام نکند همان است که امام باقر علیه السلام در قسمتی دیگر از روایت سابق الذکر فرموده است:

«هَذَا لَيْتَمَ غَضَبُ اللهِ تَعَالَى عَلَيْهِمْ فَبِعَاقِبِهِ قَبِيحُ الْأَبْرَارِ فِي دَارِ الْفَجَارِ وَالصَّعَازِ فِي دَارِ الْكِبَارِ...»  
در اینجا است که غضب خدای تعالی بر آنان تمام میشود و عقاب او همه را دربر می گیرد؛ پس خوبان در خانه گناهکاران و کوچکها در خانه بزرگها هلاک میشوند.

چرا که اگر با فراگیر شدن امر به معروف و نهی از منکر در میان افراد جامعه و حرکت جمعی آنان نسبت به فساد و گناه برخورد ریشه ای نشود و فجار و گناهکاران همچنان بر سرنوشت جامعه حاکم باشند تلاش برای نجات خوبان و خردسالان بی گناه بجائی نمی رسد و آنان نیز در جریان سبیل آسای فساد احاطه شده و عذابی که نتیجه دستاورد حاکمیت فساد و گناه در جامعه است، دامن آنها را نیز می گیرد.

پس امر به معروف و نهی از منکر تا آنجا باید پیش رود که زمینه حاکمیت را از بدان در جامعه سلب کند و اگر جز این باشد چنین است که امیرالمؤمنین علیه السلام میفرماید:

«لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ قَبُولِي عَلَيْهِمْ شِرَارِكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ.» (نهج البلاغه نامه ۴۷)  
امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اگر ترک کنید بدان شما بر شما مسلط میشوند آنگاه دعا می کنید و مستجاب نمی شود.

**ضرورت دقت در برنامه ریزی**

گسترده و عمق ابعاد و اهداف امر به معروف و نهی از منکر و اهمیت فوق العاده آن بیانگر آن است که شرط احتمال اثر و عدم مفسده در انجام آنها به این معنی نیست که انسان به نظر شخصی خود که چه بسا متأثر از ترس و محافظه کاری برای حفظ منافع زودگذر و بی ارزش دنیوی است به مجرد آن که تصور کرد مثلا با اعمال یک روش ساده و گفتن به زبان به نتیجه مطلوب نمی رسد فوراً خود را از این تکلیف بزرگ الهی معذور بداند بلکه تاکید بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در آنهمه آیه و روایت و مشروط بودن آن به احتمال اثر و عدم مفسده و ضرر بیانگر این نکته است که باید در اتخاذ شیوه ها و اعمال روشها چنان دقت و برنامه ریزی شود که حتماً به نتیجه مطلوب برسد زیرا هدف در امر به معروف و نهی از منکر اقامه معروف و ازین رفتن منکر است و نفس امر و نهی بدون آن که اثری مثبت بر آنها مترتب شود و یا احیاناً ضرر و مفسده ای بار بیاورد هرگز مطلوب نیست.

بدین ترتیب معلوم میشود که باید متناسب با گستردگی موارد و اهداف این فریضه الهی برای تحقق بخشیدن آن برنامه ریزی و عمل شود.

**اخلاص در تئیم**

اولین و مهمترین مساله در انجام امر به معروف و نهی از منکر اخلاص در تئیم است که فقط باید برای رضای حق و تقرب به او این تکلیف الهی انجام گیرد و هیچگونه ریا و انگیزه غیر خدائی در آن نباشد همانگونه که امام باقر علیه السلام در روایت سابق الذکر به برخی از این انگیزه ها و اهداف غیر الهی اشاره فرموده است:

«... فَبِجَاهِدُوا بِأَيْدِيكُمْ وَابْتَغُوا بِمَقُولِكُمْ غَيْرَ طَالِبِينَ سُلْطَانًا وَلَا بَاعِينَ مَالًا وَلَا أَمْرِي دِينَ بِالظُّلْمِ ظَفَرًا...»

با بدنهایتان با آنها جهاد کنید و به دلهایتان دشمنشان دارید. نه در طلب سلطه جونی و ریاست و نه در پی یافتن مال و نه خواهان پیروزی بوسیله ظلم.

بقیه در صفحه ۶۶